اگر افق اعلی از زخرف دنيا خالی است و لکن در خزائن توکّل و تفويض از برای ورّاث ميراث مرغوب لا عدل له گذاشتيم \* گنج نگذاشتيم و بر رنج نيفزوديم \* ايم اللّه در ثروت خوف مستور و خطر مکنون \* انظروا ثمّ اذکروا مَا أَنْزَلَهُ الرّحمن فی الفرقان ﴿ وَيْلٌ لِکُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالاً وَ عَدَّدَهُ ﴾ ثروت عالم را وفائی نه \* آنچه را فنا اخذ نمايد و تغيير پذيرد لايق اعتنا نبوده و نيست مگر علی قدر معلوم \* مقصود اين مظلوم از حمل شدائد و بلايا و انزال آيات و اظهار بيّنات اخماد نار ضغينه و بغضا بوده که شايد آفاق افئده اهل عالم بنور اتّفاق منوّر گردد و بآسايش حقيقی فائز \* و از افق لوح الهی نيّر اين بيان لائح و مشرق بايد کل بآن ناظر باشند \* ای اهل عالم شما را وصيّت مينمايم بآنچه سبب ارتفاع مقامات شمااست \* بتقوی اللّه تمسّک نمائيد و بذيل معروف تشبّث کنيد \* براستی ميگويم لسان از برای ذکر خير است او را بگفتار زشت ميالائيد \* عَفَا اللّهُ عَمَّا سَلَف \* از بعد بايد کل بما ينبغی تکلّم نمايند \* از لعن و طعن و ما يتکدّر به الإنسان اجتناب نمايند \* مقام انسان بزرگ است \* چندی قبل اينکلمه عليا از مخزن قلم ابهی ظاهر \* امروز روزيست بزرگ و مبارک آنچه در انسان مستور بوده امروز ظاهر شده و ميشود \* مقام انسان بزرگست اگر بحقّ و راستی تمسّک نمايد و بر امر ثابت و راسخ باشد \* انسان حقيقی بمثابه آسمان لدی الرّحمن مشهود شمس و قمر سمع و بصر و انجم او اخلاق منيره مضيئه \* مقامش اعلی المقام و آثارش مربّی امکان \* هر مقبلی اليوم عرف قميص را يافت و بقلب طاهر بافق اعلی توجّه نمود او از اهل بها در صحيفه حمراء مذکور \* خذ قدح عنايتی باسمی ثمّ اشرب منه بذکري العزيز البديع \* ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبّت و اتّحاد است او را سبب عداوت و اختلاف منمائيد \* نزد صاحبان بصر و اهل منظر اکبر آنچه سبب حفظ و علّت راحت و آسايش عباد است از قلم اعلی نازل شده و لکن جهّال ارض چون مربّای نفس و هوسند از حکمتهای بالغه حکيم حقيقی غافلند و بظنون و اوهام ناطق و عامل \* يا اولياء اللّه و امنائه ملوک مظاهر قدرت و مطالع عزّت و ثروت حقّند در باره ايشان دعا کنيد \* حکومت ارض بآن نفوس عنايت شد و قلوب را از برای خود مقرّر داشت نزاع و جدال را نهی فرمود نهيا عظيما فی الکتاب \* هذا أمر اللّه فی هذا الظّهور الأعظم و عصمه من حکم المحو و زيّنه بطراز الإثبات إنّه هو العليم الحکيم \* مظاهر حکم و مطالع امر که بطراز عدل و انصاف مزيّنند بر کل اعانت آن نفوس لازم \* طوبی للأمراء و العلماء فی البهآء أولئک أمنائی بين عبادي و مشارق أحکامي بين خلقی \* عليهم بهائی و رحمتي و فضلي الّذي احاط الوجود \* در کتاب اقدس در اين مقام نازلشده آنچه که از آفاق کلماتش انوار بخشش الهی لامع و ساطع و مشرق است \* يا أغصانی در وجود قوّت عظيمه و قدرت کامله مکنون و مستور باو و جهت اتّحاد او ناظر باشيد نه باختلافات ظاهره از او \* وصيّت اللّه آنکه بايد اغصان و افنان و منتسبين طرّا بغصن اعظم ناظر باشند \* أُنْظُرُوا مَا أَنْزَلْنَاهُ فِی کِتَابِي الأَقْدَس \* إذا غيض بحر الوصال و قضي کتاب المبدأ فی المآل توجّهوا إلی من أراده اللّه الّذی انشعب من هذا الأصل القديم \* مقصود از اين آيه مبارکه غصن أعظم بوده \* کذلک أظهرنا الأمر فضلا من عندنا و أنا الفضّال الکريم قد قدّر اللّه مقام الغصن الأکبر بعد مقامه إنّه هو الأمر الحکيم \* قد اصطفينا الأکبر بعد الأعظم أمرا من لدن عليم خبير \* محبّت أغصان بر کل لازم و لکن ما قدّر اللّه لهم حقّا فی أموال النّاس \* يا أغصانی و أفنانی و ذوی قرابتی نوصيکم بتقوی اللّه و بمعروف و بما ينبغی و بما يرتفع به مقاماتکم \* براستی ميگويم تقوی سردار اعظم است از برای نصرت امر الهی \* و جنوديکه لايق اين سردار است اخلاق و اعمال طيّبه طاهره مرضيّه بوده و هست \* بگو ای عباد اسباب نظم را سبب پريشانی منمائيد \* و علّت اتّحاد را علّت اختلاف مسازيد \* اميد آنکه اهل بهاء بکلمه مبارکه قل کلّ من عند اللّه ناظر باشند \* و اينکلمه عليا بمثابه آبست از برای اطفاء نار ضغينه و بغضا که در قلوب و صدور مکنون و مخزون است \* احزاب مختلفه از اين کلمه واحده بنور اتّحاد حقيقی فائز ميشوند \* إنّه يقول الحقّ و يهدی السّبيل و هو المقتدر العزيز الجميل احترام و ملاحظه اغصان بر کلّ لازم لأعزاز امر و ارتفاع کلمه \* و اين حکم از قبل و بعد در کتب الهی مذکور و مسطور \* طوبی لمن فاز بما أمر به من لدن آمر قديم \* و همچنين احترام حرم و آل اللّه و أفنان و منتسبين و نوصيکم بخدمة الأمم و اصلاح العالم \* از ملکوت بيان مقصود عالميان نازلشد آنچه که سبب حيات عالم و نجات امم است \* نصايح قلم اعلی را بگوش حقيقی اصغا نمائيد \* إنّها خير لکم عمّا علی الأرض يشهد بذلک کتابي العزيز البديع \*